

گفت: «واقعیتش را بخواهید [پذیرش اسنپک توسط ظریف] برای ما یک غافل گیری بود. اما اگر شرکای ایرانی ما این سازوکار را پذیرفتند که راستش را بخواهید یک دام حقوقی بود، جایی برای اعتراض ما وجود نداشت. البته می‌توانم درک کنم که چرا ظریف ممکن است چنین فرمول غیرمتعارفی را بپذیرد.»

واقعیت این است که پاسخ لاوروف به سوال خبرنگار درباره اسنپک، پاسخی شخصی نبود، بلکه پاسخی بود که از زبان وزیرامور خارجه روسیه بیان شده بود. ضمن اینکه لاوروف در سخنان خود ظریف را به عنوان نماینده ایران در مذاکرات شناخته است و بلافاصله بعد از آن از عبارت «شرکای ایرانی ما» استفاده کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که لاوروف اشاره شخصی به ظریف نداشته است. اینکه چرا آقای ظریف این سوال را شخصی برداشت کرده‌اند، جای سوال است.

به هر حال اظهارات متقابل ظریف و لاوروف، بار دیگر دعوای اردوگاه مذاکره با غرب و اردوگاه نگاه به شرق را در سیاست خارجی احیا کرد. اظهارات ظریف شنبه این هفته بلافاصله به تیر یک تعدادی از روزنامه‌ها تبدیل شد و در ادامه هفته نیز تعدادی از رسانه‌های جناح مقابل تلاش به پاسخگویی به این اظهارنظرها کردند. در میان افکار عمومی هم بحث داغ رویکردهای روسیه به ایران دوباره احیا شد. در این میان کسی به این نکته توجهی نکرد که آنچه روس‌ها در قبال ایران می‌کنند براساس منافع‌شان است نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر. کینه و خصومت ذهنی در سیاست بین‌الملل معنا ندارد بلکه این منافع است که مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. اما زمانی که مباحثه میان دیپلمات‌ها شخصی شود، همان منافع هم رنگ می‌بازد و دستمایه دعواهای سیاست‌داخلی می‌شود.

بدیهی است که سخن ظریف این نیست که ایران باید با روسیه دشمنی کند. چه اینکه خودش بارها اعلام کرده که ایران باید با همسایه شمالی خود روابط نزدیکی داشته باشد. حرف ظریف این است که این رابطه باید مبتنی بر منافع باشد نه دریافت‌های ذهنی مبتنی بر توهم. اما نوع رفتار ظریف نه‌تنها این هدف را محقق نمی‌کند بلکه این مبحث مهم را در دعواهای سیاست‌داخلی ایران به حاشیه می‌راند.

البته مشخص نیست انگیزه و اهداف سرگئی لاوروف از بیان خاطرات مذاکرات برجام در شرایط فعلی چه بوده، اما آنچه مشخص است این است که دعوای لفظی ظریف و لاوروف که محدود به شرایط فعلی نمی‌شود و در طول سال‌های پس از وزارت امور خار جه ظریف چند بار تکرار شده‌است، و هیچ وقت کمکی به سیاست خارجی ایران نکرده‌است. خوب یا بد، درست یا غلط، روسیه، حداقل در مواضع اعلامی، در حال حاضر یکی از شرکای اصلی ایران در مقابله با سیاست‌های غرب در بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

گردن طرف ایرانی می‌اندازد. درحالی‌که با این اظهارات کل دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران زیر سوال می‌رود، در داخل کشور مخالفان شخص آقای ظریف از این اظهارات استفاده می‌کنند تا وزیر خارجه پیشین کشور را تحت فشار قرار دهند. واقعیت این است که پذیرش برجام یک تصمیم جمعی در ایران بوده‌است و کل نظام این توافق را پذیرفت. از دیدگاه من به عنوان یک پژوهشگر دلیل پذیرش توافق برجام این بود که در آن زمان ایران چاره دیگری جز پذیرش برخی از جزئیات اجرایی این توافق نداشت، چراکه مخیر به انتخاب بین کنار گذاشتن کل توافق یا پذیرش این جزئیات بود. آقای ظریف به تفصیل در سخنرانی‌های مختلف از جمله سخنرانی اخیر و همچنین در کتاب خودش پایاب شکیبایی و کتاب راز سر به مهر، در مورد این مسائل توضیح داده‌است؛ هر چند که به نظر من این توضیح‌ها باید در همان روزهای نخست توافق برجام در سال ۱۳۹۴ مطرح می‌شد. روایت نخست همیشه برنده است. وندی شرمن، معاون وقت وزیر خارجه آمریکا هم روایت‌های خودش را از مذاکرات منتشر کرده‌است که برخی از این روایت‌ها گمراه‌کننده هستند؛ هر چند که ترجمه کتاب خاطرات او به زبان فارسی با تحریف صورت گرفته‌است و تفاوت‌های معناداری در ترجمه فارسی با متن انگلیسی وجود دارد.

اظهاراتی هم از سوی طرف‌های ایرانی در خصوص پیشنهادهای جایگزین به جای اسنپک مطرح شده‌است؛ از جمله اینکه آقای لاریجانی اظهار کرده‌است که پیشنهاد ایشان استفاده از ساز و کار حکمیت طرف ثالث در حل اختلاف برجام بوده‌است. مشخص است که حتی این پیشنهاد هم کارایی چندانی برای جلوگیری از بازگشت قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت وجود نداشت. در همین مکانیسم فعلی، پیش‌بینی ساز و کار ۴۵ روزه‌ای در کمیسیون برجام و یک دوره مذاکره میان طرف شاکي، طرف متشاکي و یک طرف سوم عضو برجام پیش‌بینی شده‌بود که مشابه همان حکمیت است. اما همین سازوکار هم توسط اروپایی دور زده‌شد و بدون طی کردن این مراحل سه کشور اروپایی درخواست از سرگیری اجرای قطعنامه‌های پیشین را مستقیماً به شورای امنیت بردند و از نفوذ خودشان در شورای امنیت استفاده کردند. حال اگر حکمیت یک طرف غیر عضو هم در میان بود، به همین سادگی می‌شد آن را دور

است و در بیانیه‌ها و نامه‌های رسمی که در روزهای اخیر منتشر کرده‌است، تاکید کرده که بازگشت قطعنامه‌های ۶گانه پیشین شورای امنیت را قبول ندارد و باور دارد که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس محتوای آن در روز شنبه ۲۶ مهر کاملاً خاتمه یافته‌است و موضوع عدم اشاعه هسته‌ای در پرونده ایران به طور کامل از دستور کار شورای امنیت سازمان ملل خارج شده‌است. با توجه به عضویت دائم و حق وتوی چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، این موضع دو کشور، اگر از اقدامات عملی آنها همراه شود، می‌تواند کمک‌های زیادی به ایران در مقابله با تلاش‌های دیگر کشورهای غربی برای توسعه و گسترش تحریم‌های شورای امنیت و احتمال صدور قطعنامه‌های جدید کند. البته در سمت مدافعان روابط بسیار نزدیک با روسیه نیز، اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد. برای مثال، روزنامه کیهان در گزارش روز یک‌شنبه خود با عنوان «شلیک نیابتی از پشت به دیپلماسی خنثی‌سازی تحریم‌ها» در واکنش به اظهارات ظریف می‌نویسد: «تکیه بر شرق، یعنی تکیه بر بلوک در حال صعود قدرت؛ بلوکی که همزمان در اقتصاد، انرژی، فناوری و امنیت، نظم جهانی جدیدی را رقم می‌زند.» این روزنامه با اشاره مستقیم به اظهارات اخیر ظریف در مورد روسیه می‌نویسد که این اظهارات «واکنشی روانی به پایان دوران انحصار فکری غرب» است. برخلاف روزنامه کیهان، خبرگزاری فارس اتحاد ایران و شرق را یک اتحاد مطلق نمی‌داند. این خبرگزاری می‌نویسد: «تعامل با شرق نه به معنای اتحاد مطلق بلکه به معنای استفاده هوشمندانه از فرصت‌ها برای تضمین منافع ملی است.» به نوشته فارس «راهبرد ایران در دهه‌های اخیر، تلاش برای ایجاد توازن میان قدرت‌های جهانی است. در این چارچوب، تعامل سازنده با شرق به عنوان یک فرصت استراتژیک، زمینه‌ساز حفظ استقلال سیاسی و توسعه اقتصادی کشور است.»

▼بی‌فایده برای منافع ملی

به نظر نمی‌رسد که در شرایط کنونی که روسیه و چین به عنوان دو شریک اصلی سیاست خارجی ایران در مقابل تلاش کشورهای غربی برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت مقاومت کرده‌اند و نه‌تنها با صدور بیانیه، بلکه با امضای نامه رسمی به شورای امنیت تعهد خود را به انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ و مشروع دانستن فرآیند اسنپک و بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت اعلام کرده‌اند، وزارت امور خارجه قصد داشته‌باشد در مباحثی وارد شود که باعث تضعیف روابط ایران با مسکو و پکن شود. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به شکل گرفتن فضای تقابلی در رسانه‌ها در مورد روابط ایران با روسیه در پی سخنرانی روز جمعه محمدجواد ظریف، در مصاحبه‌ای تصریح کرد: «همکاری‌های گسترده تهران و مسکو

زد یا در تعیین حکم از نفوذ سوءاستفاده کرد. حتی اگر روسیه هم حکم مورد اعتماد دو طرف بود، باز هم امکان جلوگیری از بازگشت قطعنامه‌ها کم بود، چراکه در همین فرآیند بازگشت قطعنامه‌ها توسط کشورهای اروپایی دیدیم که روسیه پیش نویس قطعنامه ارائه داد و تلاش کرد تا جلوی بازگشت قطعنامه‌ها را بگیرد و چین هم حمایت کرد، اما باز هم ناکام ماندند و حتی ایران ۹ رای هم نداشت که طرف‌های غربی مجبور به استفاده از حق وتو شوند. اینها واقعیت‌های میدانی هستند.

همانطور که ذکر شد، خط قرمز آمریکا این بود که تنها به شرطی رفع تحریم‌ها را می‌پذیرد که اگر تحت هر شرایطی ایران تعهدات خود را رعایت نکرد، بتواند قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را بلافاصله بازگرداند. اختیار انتخاب مذاکره‌کنندگان ایرانی برای توافق بین این گزینه و عدم توافق بود، همانطور که برای طرف غربی هم اختیار انتخاب بین گزینه پذیرش حق غنی‌سازی ایران یا عدم توافق بود.

بعد از گذشت ۱۰ سال عده‌ای نشسته‌اند و ادعا می‌کنند که ۱۰ سال پیش به فلان روش می‌شد جلوی شرایط فعلی را گرفت، اما هیچ توضیحی نمی‌دهند که با توجه به خطوط قرمز مذاکراتی طرف مقابل، چه روش قابل پذیرشی ارائه می‌دادند که هم به توافق منجر شود و هم جلوی بازگشت قطعنامه‌ها را بگیرد. اساس توافق برجام این بود که حق غنی‌سازی به ازای حق بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی به ایران داده‌شد. معامله اساسی برجام در همین بده‌بستان خلاصه می‌شود.

از نخستین قطعنامه‌ای که سال ۱۳۸۵ علیه ایران در شورای امنیت صادر شد تا سال ۱۳۹۴ که برجام منعقد شد، ایران حتی یک روز هم هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا نکرده‌بود، امروز هم دوباره همان وضعیت حاکم شده‌است و ایران از مینا تعهد به اجرای این قطعنامه‌ها را نمی‌پذیرد. واقعیت این است که با رویکردی که جمهوری اسلامی از سال ۱۳۸۲ در پیش گرفت، عملاً امکان نداشت که جلوی صدور قطعنامه‌های شورای امنیت را گرفت. اگر رویکرد کلی ایران در دو دهه گذشته در قبال برنامه هسته‌ای از اساس متفاوت بود، شاید می‌شد گفت که امکان داشت چنین قطعنامه‌هایی علیه ایران صادر نشود. اما به هر تقدیر تصمیم

نشانه‌ای از شراکت پایدار و بلندمدت است که با امضای سند همکاری جامع ۲۰ ساله پیش از پیش تقویت شده است.» این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی که نقش بارزی در مذاکرات برجام داشت، ضمن اشاره به اینکه بارها تاکنون در مورد حوالشی برجام به تشریح سخن گفته‌است، تاکید کرد: «آنچه در شرایط کنونی اهمیت دارد، تمرکز بر تقویت موضع ایران و کشورهای هم‌فکر در شورای امنیت و حفظ وحدت و انسجام ملی برای پیشبرد منافع عالیه کشورمان است.»

دعواهای سیاسی در داخل کشور برای مذاکره با غرب یا تکیه به شرق هم بعید است در شرایط فعلی به سیاست خارجی کشور کمکی بکند. هر چند محمدجواد ظریف در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود تلاش می‌کند تا ضمن تاکید بر ضرورت توسعه روابط حسنه با مسکو، نسبت به اعتماد چشم‌پسته به روسیه هشدار دهد، اما در شرایط فعلی اظهارات ظریف از سوی منتقدانش به عنوان اقدامی برای تخریب روابط ایران و روسیه برداشت می‌شود و این احساس را ایجاد کرده‌است که ظریف تلاش می‌کند تا روابط تهران و مسکو را تخریب کند. از سوی دیگر اظهارات لاوروف هم که در جمع تعدادی از خبرنگاران عرب در حاشیه نشست مشترک کشورهای عربی و روسیه در مسکو بیان شده‌بود، کمکی به موضوع ایران نمی‌کند. روشن است که تصمیم به پذیرش برجام، یک تصمیم کلان در جمهوری اسلامی ایران بود که آگاهانه و با احاطه بر متن توافق گرفته‌شد. اینکه چرا لاوروف تصمیم گرفته‌است چنین بیاناتی را مطرح کند که نتایج آن در صحنه سیاست داخلی ایران روشن و قابل پیش‌بینی است، روشن نیست. اما نتایج این اقدام لاوروف نیز، به سهم خود، در تشدید دوگانه‌سازی تعامل با شرق و تعامل با غرب در افکار عمومی و فاصله گرفتن از تلاش برای شکل دادن به توازن در روابط خارجی جمهوری اسلامی کاملاً واضح و قابل مشاهده است.

صرف اشاره به اسنپک به عنوان «مخلوق» ظریف در اظهارات لاوروف، اظهارنظری خلاف واقعیت‌های سیاست خارجی ایران است. بند بند برجام پیش از انعقاد در چار چوب نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت و با تایید بالاترین مقام‌های سیاسی و امنیتی کشور و در پایان با تصویب مجلس شورای اسلامی اجرایی شد. در واقع مذاکرات ظریف و موافقت او با سازوکارهای مورد استفاده در برجام، نظر شخصی ظریف در مذاکرات ایران و ۵+۱ نبود و موضع جمهوری اسلامی ایران بود. به همین دلیل به نظر می‌رسد که بازی مقصرنمایی کنونی از اساس زیر سوال بردن کل نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. تضعیف نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی موضع دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در شرایط فعلی را نیز تضعیف خواهد کرد.

این بود که دو روز مانده به پایان کار دولت سیدمحمد خاتمی، در مردادماه سال ۱۳۸۴ پلمب تاسیسات یوس‌اف اصفهان شکسته شود و در دی‌ماه همان سال پلمب تاسیسات غنی‌سازی در نطنز گشوده شد. در واقع ایران تصمیم گرفت که روند توافق با اروپا را کنار بگذارد، چراکه از نظر تهران طرف‌های اروپایی به تعهداتش عمل نکرده‌بودند. نکاتی در مورد سال‌های تعلیق غنی‌سازی از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ وجود دارد که نشان می‌دهد ایران در آن زمان هم می‌توانست رویکرد دیگری انتخاب کند. برای مثال بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ ایران هر چند عملیات غنی‌سازی را متوقف کرده‌بود، اما تحقیق و توسعه استمرار پیدا کرد، بر اساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران پیش از تعلیق غنی‌سازی حدود ۱۰۰ سانتریفیوژ داشت که در حد یک آشبار هم نبود، اما بعد از شکستن پلمب یوس‌اف حدود ۳۰۰۰ سانتریفیوژ داشتیم. آنچه در دو سال تعلیق غنی‌سازی، پیش از صدور قطعنامه‌ها متوقف شده‌بود، صرفاً عملیات غنی‌سازی بود و تمام فعالیت‌های تحقیق و توسعه ایران ادامه داشت و به همین دلیل هم بود که بلافاصله بعد از شکستن پلمب نطنز، ایران توانست غنی‌سازی را آغاز کند.

از این سیر وقایع می‌توان نتیجه گرفت که با سیاستی که جمهوری اسلامی ایران از دی‌ماه سال ۱۳۸۴ انتخاب کرد، عملاً صدور قطعنامه‌های شورای امنیت اجتناب‌ناپذیر بود. متأسفانه دوقطبی‌ای در کشور ایجاد شده‌است که مسائل را گردن این و آن بیاندازند. واقعیت این است که سیاست‌های انتخابی ایران چه بین سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ و چه بعد از سال ۱۳۹۴ در برجام، تصمیم‌های جمعی در نظام بوده‌است و نباید یک یا چند نفر را به خاطر این تصمیم‌ها مورد حمله قرار داد. نگاه تک‌بعدی به فرآیند وقایع سیاست خارجی ایران کارساز نیست، بلکه باید جمیع عوامل تاثیرگذار را در نظر گرفت و نه نقش یک یا چند نفر را. تردیدی وجود ندارد که اشکالاتی در عملکرد و تصمیم دولت‌ها در سال‌های اخیر وجود دارد. ایران بدون تردید می‌توانست از شرایط بعد از برجام برای احیای اقتصاد و اصلاحات اساسی در اقتصاد کشور و بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی شهروندان استفاده کند، با استفاده از آن فرصت‌ها اکنون ایران می‌توانست تاب‌آوری بیشتری در مقابل تحریم‌ها داشته‌باشد.

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۹۱۰
www.hammihanonline.ir

۷

مهرشهر

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

سال چهارم • شماره ۹۱۰

www.hammihanonline.ir

دیپلمات‌ها



رایزنی‌های مصر در خصوص ایران

بدر عبدالعاطی وزیر امور خارجه مصر روز شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴ در تماس تلفنی با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، درخصوص روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کرد. بر اساس بیانیه وزارت خار جه مصر، عبدالعاطی در کنار رایزنی با عراقچی، با استیو ویتکاف و رافائل گروسی هم جداگانه گفت‌وگو کرده‌است. بر اساس اعلام وزارت امور خارجه ایران در این تماس علاوه بر گفت‌وگو در مورد وضعیت غزه و نقض آتش‌بس توسط رژیم اسرئیل، طرف مصری در جریان دیدگاه‌های ایران راجع به موضوع هسته‌ای قرار گرفت. در این تماس، در مورد آخرین وضعیت غزه در پرتوی تفاهم صورت‌گرفته برای توقف نسل‌کشی تبادل نظر شد. عراقچی در این گفت‌وگوی تلفنی با ابراز نگرانی شدید نسبت به موارد نقض فاحش توافق آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی طی چند روز گذشته که باعث شهید و مجروح‌شدن ده‌ها فلسطینی شد، بر مسئولیت ضامنان آتش‌بس و کل جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از ادامه کشتار و جنایات رژیم صهیونیستی تاکید کرد. وزارت امور خار جه مصر نیز شنبه‌شب در بیانیه‌ای اعلام کرد بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه این کشور با سیدعباس عراقچی، همتای ایرانی‌اش، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت آمریکا، در مورد پرونده هسته‌ای ایران گفت‌وگوی تلفنی داشته است. در این بیانیه آمده است به عنوان بخشی از تلاش‌ها برای حمایت از امنیت، ثبات و کاهش تنش در منطقه و با هدف تقویت شتاب ایجادشده پس از امضای توافق‌نامه قاهره بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۹ سپتامبر، بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر طی تماس‌های تلفنی با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایالات متحده در امور خاورمیانه، تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران را پیگیری کرد. در این تماس‌ها، لزوم ادامه تلاش برای کاهش تنش‌ها، ایجاد اعتماد و ایجاد شرایطی برای از سرگیری مذاکرات بین ایران و ایالات متحده برای دستیابی به توافقی جامع در مورد مسئله هسته‌ای ایران که منافع همه طرف‌ها را در نظر بگیرد و به دستیابی به امنیت و ثبات منطقه‌ای کمک کند، مورد بررسی قرار گرفت. توافق شد که نظرات بر تلاش‌ها و تماس‌ها ادامه یابد و ایده‌های پیشنهادی برای دستیابی به پیشرفت مورد انتظار در این زمینه بررسی شود. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به یک نمایش ضدایرانی در پارلمان انگلیس و طرح ادعاهای کذب واکنش نشان داد.



نمایش مضحک لابی اسرائیل

به گزارش ایسنا، سیدعباس عراقچی در پیامی به زبان لهستانی در شبکه ایکس نوشت: «نمایش یک پیهپاد در پارلمان بریتانیا، که به دروغ و با سوءنیت به ایران نسبت داده شده است، صحنه‌ای تأسفبار است که توسط لابی اسرائیل و حامیان آن به اجرا درآمده است. بازیگرانی که با روابط دوستانه بین ایران و اروپا مخالفت دارند، تلاش می‌کنند روایت‌هایی را جعل کنند که با روابط چندصدساله از جمله بین ایران و لهستان، همخوانی ندارد. ایران اسناد برای روشن گفت‌وگوهای فنی و تبادل اسناد برای روشن شدن حقایق، به‌ویژه در مواجهه با این نمایش مضحک، آمادگی دارد.»